

## جریان شناسی نفی اسلام در مکتوبات کلامی مسیحیت؛ با تأکید بر جریان فرانسوی پیتر مقدس

محمدصادق احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

این مطالعه یک چارچوب گونه‌شناختی برای تحلیل جریان‌های انکار و نفی اسلام در نوشته‌های مسیحی مستند شده در «روابط مسیحی-مسلمان: یک تاریخ کتاب‌شناختی» ایجاد می‌کند. در حالی که مجموعه CMR خود تحلیل‌های کتاب‌شناختی توصیفی از متون تاریخی ارائه می‌دهد، آثاری که فهرست‌بندی می‌کند، الگوهای تکرار شونده‌ای را در نحوه ارزیابی ورد اسلام توسط نویسندگان مسیحی در دوره‌ها و زمینه‌های فکری مختلف آشکار می‌کند. بر اساس مطالعه سیستماتیک این مطالب، شش دسته تحلیلی را می‌توان شناسایی کرد. دسته اول، جدل اهریمنی است که در آن اسلام به عنوان یک فریب شیطانی یا کار نیروهای شیطانی به تصویر کشیده می‌شود. دسته دوم، مدل بدعت‌گذاری است که اسلام را به عنوان یک بدعت مسیحی یا انحراف عقیدتی مشتق شده از سنت‌های یهودی-مسیحی پیشین تفسیر می‌کند. دسته سوم، تقلیل تاریخی-سیاسی است که در آن اسلام به عنوان یک ساختار انسانی، اجتماعی یا سیاسی به جای یک دین و حیانی الهی توضیح داده می‌شود. دسته چهارم،

---

۱. استادیار دانشکده مطالعات بین‌المللی. ms.ahmady@yahoo.com

چارچوب حقیقت‌جزئی است که عناصر توحیدی یا اخلاقی خاصی را در اسلام تصدیق می‌کند در حالی که در نهایت اعتبار کلامی آن را انکار می‌کند. دسته پنجم، تفسیر مشیت‌گرایانه، اسلام را در چارچوب الهیات وسیع‌تری از تاریخ قرار می‌دهد و ظهور آن را به عنوان امری مجاز از سوی مشیت الهی اما نه به عنوان وحی اصیل می‌بیند. دسته ششم، شناخت اخلاقی با طرد رستگاری‌گرایانه است که جدیت اخلاقی اعمال دینی مسلمانان را به رسمیت می‌شناسد، در حالی که امکان رستگاری خارج از وحی مسیحی را انکار می‌کند. این دسته‌ها به عنوان ابزارهای اکتشافی عمل می‌کنند، نه طبقه‌بندی‌های سفت و سخت و اغلب در متون منفرد همپوشانی دارند. آنها در کنار هم، یک دیدگاه تحلیلی ساختاریافته برای بررسی تنوع پاسخ‌های جدلی و کلامی مسیحی به اسلام در زمینه‌های مختلف تاریخی و فرهنگی فراهم می‌کنند.

کلمات کلیدی: روابط کلامی، پروژه CMR، جریان‌های کلامی، جریان نفی،

پیتر مقدس.

## طرح مسئله

جریان‌شناسی به معنای «شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل‌گیری و معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی و تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی» است (خسروپناه، ۱۳۸۸: ص ۱۰). در واقع، جریان‌شناسی به شناخت عمیق بسترهای تاریخی هر جریان فکری-فرهنگی کمک می‌کند؛ امری ضروری برای فهم متن‌هایی که با گذر از پیچ و خم‌های تاریک روزگاران گذشته به دست ما رسیده و در فضایی متفاوت قرائت می‌شوند. جریان‌شناسی (Stream Analysis) به عنوان یک رویکرد تحلیلی، به بررسی و درک پویایی‌ها و تحولات یک نظام اجتماعی یا سیاسی می‌پردازد. این رویکرد، برخلاف تحلیل‌های ایستا و ساختارمحور، بر جریان‌های متغیر، روابط علت و معلولی پویا و تاثیر متقابل عوامل مختلف تاکید دارد. (Castells, ۲۰۰۹: ۱۵)

با بررسی هجده جلد از مجموعه کتاب‌شناختی روابط مسیحیت و اسلام به سرویراستاری پرفسور دیوید توماس و بازخوانی قریب به اتفاق مکتوبات فیما بین، مشخصاً دو جریان نفی و انکار و نفی و تطبیق بدست آمد که طبیعتاً با پیشرفت تاریخ همزیستی و تقابل دو دین از یک سو، و همینطور ارتقاء سطح مکاتبات جدلی و کلامی، این دو جریان پرورش یافته و در بستر چالشها و منازعات تکامل یافته است. در میان جریانات مخالف اسلام از منظر مسیحیت، یکی از مهم‌ترین جریانها منسوب به جریان فرانسوی است که باعث و محرک جنگ‌های صلیبی نیز به شمار می‌رود. در انتهای قرن دهم قدیس برنارد کلرویی با همراهی پیتر پاپ وقت را به جنگ علیه سپاه اسلام تحریک کردند. (اندرهیل، ۱۳۸۴، ۱۰۹) این دو الهیدان و پدر کلیسایی در فرانسه در دوره ای حیات داشتند که عمده قدرت کلیسای کاتولیک به فرانسه منتقل شده بود و نه تنها اسلام، بلکه یهودیت نیز با هجمه جدی ایشان با دعوت به قتل و کشتار همراه بود. (Katz, ۲۰۲۲, ۲۱-۲۱۹) پیتر که در راس این جریان قرار داشت بیش از آنکه به یهود بپردازد، دفاعیه کلامی و جدلی علیه اسلام نوشته بود،

چرا که از نظر او سپاه صلیبی بیش از آنکه نیاز به پیروزی در نبرد داشته باشد، بایستی به تبشیر مسیحیت پردازد. او با کمک گرفتن از روبرت به ترجمه قرآن و زندگینامه حضرت محمدص پرداخت و سپس کتاب مشهور خود به نام کتاب علیه فرقه یا بدعت ساراسنها نوشت. (Dulles, ۲۰۰۵, ۱۰۶)

با توجه به جایگاه ویژه جریانی که پیتر در راس آن قرار داشت، جریان فرانسوی منکر اسلام با تاکید بر شخصیت پیتر مقدس در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### روش پژوهش و پیشینه نظری

پژوهش حاضر با هدف سنخ‌شناسی و جریان‌شناسی حاکم بر میراث مکتوب روابط بین‌الادیانی، رهیافت هرمنوتیک تفسیری را برای بازخوانی انتقادی متون برگزیده است. فرآیند تحلیل محتوا در این مطالعه منجر به شناسایی الگوهای فکری کلان (Macro-currents) و به تبع آن، استخراج خرده‌جریان‌های زیرمجموعه گردید. با عنایت به تکرر ساختاری آثار موجود در مجموعه‌ی CMR - که محصول بافت‌های ناهمگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند - به‌کارگیری روش‌های کمی یا تحلیل محتوای کلاسیک، فاقد کارآمدی لازم برای دستیابی به ژرفای این متون ارزیابی شد. از این رو، با اتخاذ دیدگاهی کل‌نگر و تلفیقی، مفاهیم نظری مستتر در متون ردیابی شدند تا از طریق تقلیل هدفمند داده‌ها و مقوله‌بندی مفاهیم، ساختار سلسله‌مراتبی جریان‌های فکری تبیین گردد.

تحولات تاریخی در مناسبات الهیاتی میان اسلام و مسیحیت را می‌توان در قالب چهار پارادایم یا جریان کلان دسته‌بندی کرد. نخست، رویکرد جدلی (Polemical) که ریشه در سده‌های نخستین اسلامی و آثاری همچون نوشته‌های یوحنا‌ی دمشقی دارد و بر نفی کلیت اسلام استوار است. دوم، جریان عقلانی-مدرسی (Scholastic) که در دوران میانه و به‌ویژه در منظومه فکری توماس آکویناس تجلی یافت؛ جایی که مواجهه با اسلام از منظر کلامی و با تکیه بر استدلال‌های فلسفی بازتعریف شد.

سوم، جریان شمول‌گرایی الهیاتی که بر مفاهیم رستگاری‌شناختی متمرکز است و در نهایت، الگوی گفتمان‌محور (Dialogical) که به‌ویژه پس از تحولات شورای دوم واتیکان به رویکرد غالب بدل گشت و بر جستجوی بسترهای مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید می‌ورزد (Renard, 2011, xvii-xxvi). با وجود طرح این دسته‌بندی‌های کلی، تاکنون استخراج و صورت‌بندی جریان‌های روابط اسلام و مسیحیت بر پایه داده‌های پروژه CMR انجام نگرفته است؛ از این رو، پرداختن به چنین موضوعی از این منظر، فاقد پیشینه پژوهشی به شمار می‌آید.

### جریان نفی و انکار

جریان موسوم به نفی و انکار بر باور به انحصار حقانیت و نجات در آیین مسیحی استوار است و از همین منظر، اسلام را نه به‌عنوان وحی حقیقی بلکه به‌مثابه پدیده‌ای بشری تلقی می‌کند که مستلزم نقد، رد یا مقابله است. این رویکرد که در مطالعات جدید از آن با اصطلاح Deny and Defense یاد می‌شود، بازتاب گسترده‌ای در متون مسیحی یافته است؛ آن‌جا که اسلام در بهترین تعبیر، محصول تلاش معلمی دانا و اندیشمند معرفی می‌شود که با بهره‌گیری از مبانی مسیحیت، قرائتی بدیل یا اصلاحی از آن را ترویج می‌کند. با این حال، در شکل‌های رادیکال‌تر این گفتمان، اسلام نه تنها دین به شمار نمی‌آید، بلکه گاه منشأ آن به فریب شیطنی یا دسیسه‌های یهود نسبت داده می‌شود و مواجهه با آن رنگی آشکار از خصومت و طرد می‌گیرد. در ذیل این جریان کلی، گونه‌های متعددی از خرده‌جریان‌ها قابل تشخیص‌اند که هر یک بازتابی از سطحی خاص از انکار، تقلیل یا نفی اسلام به‌شمار می‌روند. بنابر این ذیل این جریان (نفی و انکار)، برخی خرده‌جریان‌ها دیده می‌شوند که از این قرارند:

#### الف) انکار و شیطنی بودن اسلام

در طیف نوشتارهایی که اسلام را انکار کرده و منشأ آن را به شیطان نسبت می‌دهند، صریح‌ترین سطح از ادبیات تحقیرآمیز دیده می‌شود. در این آثار، اسلام

نه تنها زاینده نیروی اهریمنی معرفی می‌شود، بلکه تمایزی میان شخصیت‌های مسلمان - از خلفا گرفته تا پیامبر اسلام ﷺ - قائل نمی‌گردد و بدون توجه به تفاوت جایگاه منابعی چون قرآن با نوشته‌هایی مانند «شروط عمر» که محصول سیاست‌گذاری خلفا بوده است، به یکسان از توهین به شخصیت‌ها، رفتارها و باورهای مقدس مسلمانان بهره می‌برد. برخی از این متون، چارچوبی مکاشفه‌ای و آخرازمانی اتخاذ می‌کنند و با اتکا به شرایط ویژه ظهور اسلام و گسترش سریع آن - که ساختارهای سیاسی و اجتماعی موجود را دگرگون ساخت - تفسیر خود را در قالب الهیات رنج سامان می‌دهند؛ بدین معنا که وقایع مذکور را بخشی از طرح نجات‌بخش الهی یا آزمونی در مسیر ایمان مسیحی می‌خوانند. البته همه این ویژگی‌ها لزوماً در یک متن جمع نمی‌شود؛ برخی آثار تنها یکی از این عناصر را دارند و برخی مجموعه‌ای از آنها را در کنار هم به کار می‌گیرند. با این حال، وجه مشترک تمامی این نوشته‌ها تأکید بر رویکردی است که بر اساس آن، اسلام در قالب گفتمان نفی و انکار فهم می‌شود و خاستگاه آن به نیروهای شیطانی پیوند داده می‌شود. «مکاشفه افرایم جعلی»<sup>۱</sup> در سال‌های ظهور اسلام در شام ایراد شده و در آن عنصر آخرازمانی بودن متن، توهین به مقدسات اسلام و انتساب به شیطان به همراه الهیات رنج، توأم با یکدیگر دیده می‌شود. مکاشفه مذکور که نام کامل آن «موعظه افرایم مقدس معلم سوری درباره آخرت، روز قیامت، خدا و ماجوج و مسیحان دروغین»<sup>۲</sup> بوده، اعراب را قومی می‌داند که پیش از فرارسیدن آخرازمان، از بیابان‌ها ظهور کردند و از نسل هاجر به ابراهیم منسوب و پیام‌آوران ضد مسیح عنوان می‌شوند.<sup>۳</sup> در بخش دیگری از

---

1. The Apocalypse of Pseudo-Ephrem.

2. Mēmra d-qāddishā mār(y) Aprēm, malpānā sūryāyā, ‘al hartā w-shullāmā w-dīnā w-tba’t w-‘al Bēt Agōg w-Magōg w-‘al Mshihā daggālā, ‘The Sermon of the holy lord Ephrem, the Syrian teacher, on the end and completion, the judgment and exaction, on Gog and Magog and on the false Messiah’.

3. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 160-161.

مکتوبات کلامی با عنوان «روایات کمال‌آور و حمایت‌کننده که در زمان ما در اماکن مختلف رخ می‌دهد»<sup>۱</sup> نویسنده مجموعه‌ای از رخدادهای خارق‌العاده و معجزه‌آمیز زمانه خویش را گرد آورده و از آنها به‌عنوان ابزاری برای دفاع از مسیحیت در مواجهه با اسلام بهره گرفته است. وی با برجسته‌سازی منزلت و کارآمدی نشانه‌های ایمان مسیحی - از جمله عشای ربانی، صلیب، شمایل مقدس و مقام قدیسان - می‌کوشد برتری و حقانیت سنت مسیحی را تثبیت کند. رکنار این رویکرد دفاعی، تصویری منفی از اسلام و مسلمانان ارائه می‌شود و آنان با تعبیراتی نظیر «یاران شیطان» توصیف می‌گردند. زبان حاکم بر این نوشته آشکارا انکاری و هجوآلود است؛ به‌گونه‌ای که اسلام به‌مثابه نیرویی هم‌پیمان با شیطان معرفی می‌شود که هدف آن سوق دادن مسیحیان مؤمن به ارتداد است.<sup>۲</sup>

بعضی مکتوبات که با توهین و انتساب به دسیسه شیطان قرین شده، نویسندگان به ارائه ریشه‌ظهور اسلام و روایاتی راجع به آن می‌پردازند. در یکی از این دست مکتوبات در شبه جزیره ایبری که در قرون اولیه با حکومت امویان مسلمان همراه بود، به‌منظور بی‌اعتبار ساختن اسلام، روایاتی جعلی در رابطه با ریشه اسلام ساخته و پرداخته و آن‌ها را به اسلام منتسب کرده‌اند.<sup>۳</sup> با توجه به قدرت روزافزون مسلمانان در این منطقه (ذیل حکومت اسلامی اموی)، مکتوباتی از این دست جهت ارائه تصویری شیطانی از اسلام و جلوگیری از جذب بیشتر مسیحیان به اسلام صورت گرفته است.

سخنرانی پاپ اوربان دوم در فرانسه امروزی به‌منظور تهییج مسیحیان برای جنگ‌های صلیبی نیز حاوی عناصری از این جریان ارتباطی است؛ مانند نامه‌ای که

---

1. Diegēmata psychōphelē kai steriktika genomena en diaphorois topoīs epī tōn hēmeterōn chronōn, 'Edifying and supportive tales which occurred in various places in our times'. Conventional title: Narrationes.

2. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 198-199.

3. Thomas, David, Mallett, Alex, Christian Muslim Relations A Bibliographical History, Volume 2, 900-1050, Brill, 2010, 83-84.

برای تحریک مؤمنان فلاندر<sup>۱</sup> برای شرکت در جنگ نوشته و در نامه، مسلمانان را بربرهای دیوانه می‌خواند که با یورش به کلیساهای مسیحی، آن‌ها را ویران و غارت کردند و از همه بدتر اینکه سرزمین مقدس و محل رستخیز و عروج خداوند عیسی را نیز اشغال نمودند.<sup>۲</sup>

### ب) انکار و ریشه‌یابی اسلام در دسیسه دشمنان مسیحیت

یکی از خرده‌جریان‌های قابل تشخیص در ذیل گفت‌وگوهای نفی و انکار، رویکردی است که خاستگاه اسلام را به توطئه‌پردازی یهودیان نسبت می‌دهد. در این چارچوب، نویسنده مدافع مسیحی ضمن مواجهه با اسلام، هم‌زمان از میراث دیرینه خصومت با یهودیت نیز بهره می‌گیرد و آن پیش‌زمینه تاریخی را در خدمت تبیین خود قرار می‌دهد. در این آثار، توهین به مقدسات اسلامی امری رایج است و گاه این رویکرد با بهره‌گیری از ادبیات رازآلود، مکاشفه‌ای و نیز الهیات مبتنی بر رنج و بلا همراه می‌شود.

در چنین متونی، مسلمانان به مثابه «یهودیان جدید» تصویر می‌شوند؛<sup>۳</sup> بدین معنا که همان‌گونه که یهودیان در روایت مسیحی مسئول به صلیب کشاندن عیسی دانسته می‌شدند، اکنون نیز در پی نابودی تعالیم و میراث او قلمداد می‌گردند. برای نمونه، سبئوس ارمنی در قرن هفتم میلادی و هم‌زمان با فتوحات آغازین اسلام، در اثر تاریخی خود<sup>۴</sup> درباره گسترش سیاسی و دینی مسلمانان دو تبیین عرضه می‌کند: در روایت نخست، کامیابی مسلمانان با شورش ناکام یهودیان ادسا پیوند می‌خورد؛ بدین صورت که یهودیان تبعیدشده به بیابان‌ها با بنی‌اسماعیل ارتباط برقرار کردند و در نتیجه گفت‌وگوها و تعاملات آنان، زمینه دخالت محمد فراهم شد. این تفسیر، توسعه

1. Flanders.

2. Thomas, David and Mallett, Alex, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200), Brill, 2011, 233-242.

3. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 520.

4. The History of Sebeos.

اسلام را به کنشگری نیروهای یهودی و غیرمسیحی نسبت می‌دهد. در روایت دوم، پادشاهی اسماعیل و ظهور اسلام با جانور مذکور در دانیال ۷:۲۳ تطبیق داده می‌شود؛ همان موجودی که بناست سراسر جهان را دربرگیرد. حتی در بخشی از این گزارش، معاویه به‌عنوان خادم ضد مسیح معرفی می‌شود و نشانه‌های نزدیکی آخرالزمان مورد تأکید قرار می‌گیرد. در برخی دیگر از نوشته‌ها نیز نه اصل و ریشه اسلام، بلکه بخشی از آموزه‌های آن چنین بازنمایی می‌شود که گویی اقتباسی از تعالیم یهودی است؛ از این منظر، این آموزه‌ها نسخه‌ای بازتولید شده و به‌روز از سنت یهودی تلقی می‌شوند و بدین سبب، مسیحیان به ردّ و ابطال آنها فراخوانده می‌شوند.<sup>۱</sup> در برخی از این نوشته‌ها، نه کل اسلام یا منشأ آن، بلکه تنها پاره‌ای از آموزه‌های اسلامی به‌گونه‌ای بازنمایی می‌شود که گویی برگرفته از تعالیم یهودی است. بر پایه چنین برداشتی، این آموزه‌ها صورت تازه‌ای از همان تعالیم یهودی تلقی می‌شوند و از این رو، نویسندگان مسیحی مخاطبان خود را به نقد و ردّ آنها فرا می‌خوانند؛ زیرا معتقدند این تعالیم در واقع اقتباسی از سنت یهودی و بازتابی به‌روز شده از آن به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

### ج) انکار اسلام و در نظر گرفتن آن تحت عنوان برنامه نجات

در این خرده‌جریان، نفی اسلام در قالب تفسیر ویژه‌ای از اسلام است که طی آن وضعیت دشوار مسیحیان بیان می‌شود که توسط حکام مسلمان و یا سایر قرائت‌های رسمی مسیحی شکنجه می‌شوند. در همین حین، ظهور اسلام و قدرت گرفتن اعراب مسلمان چنین روایت می‌شود که اقتدار ایشان سبب برداشته شدن عذاب قبلی توسط مسیحیان مخالف و آرامش یافتن مؤمنان است؛ زیرا در وضعیت جدید، ایشان در میان

1. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 141-143.

2. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 401-402.

مسلمانان به‌عنوان مؤمنان اهل کتاب خوانده می‌شوند که نهایتاً بایستی مالیات مضاعف/ جزیه بدهند و از حقوق اجتماعی و امنیت مناسبی برخوردارند. از عرصه‌های بروز این گرایش، روایاتی در قالب موعظه‌های شبانی خطاب به مومنان است که برای تقویت ایمان ایشان به‌کار گرفته می‌شود. در مکتوباتی از این دست، بعضاً بخشی از مقدسات اسلام نیز نفی می‌شود که این امر بسته به میزان آشنایی و آگاهی مسیحیان از اصول الهیات اسلامی، شدت و ضعف دارد. در پاره‌ای اوقات، این جریان ارتباطی در قالب ادبیات آخرالزمانی آمده است. ویلیام از مالزبری<sup>۱</sup> (از جلوه‌های ظهور این جریان) راهب قرن دوازدهمی است که یادداشت‌هایی راجع به اسلام داشته، یا در برخی مکتوبات دیگرش ناظر به اسلام نیز نوشته است. او در کتاب «تفسیر مراثنی ارمیا»<sup>۲</sup> دو بار از مسلمانان یاد کرده: نخست اینکه گرچه فرق مختلف مسیحی و یهود و ساراسن‌ها<sup>۳</sup> درباره ذات حضرت عیسی توافق ندارند، اما همگی راجع به خدای پدر (الله/یهوه) توافق دارند و در قلب خود او را مقدس شمرده و با او مناجات می‌کنند. متن دوم نیز در مراثنی ارمیا ۱: ۱۴ قرار دارد که ذیل آن می‌نویسد: «خداوند به ساراسن‌ها و ترک‌ها اجازه داد که بر سرزمین‌های مقدس نائل شوند تا مسیحیان را به‌خاطر گناهانشان مجازات نماید.» ویلیام در این دو متن بر توحید یهودی و اسلامی تأکید کرده و بیان می‌کند که مسلمانان نیز، دست‌کم در مورد خدای پدر، همان خدای مسیحیان را می‌پرستند. از سوی دیگر، به باور ویلیام، ترک‌ها و ساراسن‌ها در برنامه خدا نقش نبوکدنصر<sup>۴</sup> را اجرا می‌کنند یعنی مجازات مؤمنان مسیحی به‌خاطر گناهانشان. ادبیات مکتوباتی از این دست گرچه انکاری است، اما نسبت به مسلمانان پذیرش

---

1. William of Malmesbury.

2. Super explanationem Lamentationum Ieremie prophete, 'Commentary on the Lamentations of the prophet Jeremiah'.

۳. از نسل هاجر و نه سارا

4. Nebuchadnezzar.

نسبی دارد مانند اینکه می‌پذیرد ایشان همان خدای پدر را می‌پرستند و اساساً مشرک نیستند و از سوی دیگر در برنامه و نقشه نجات خدا به ایفای نقش می‌پردازند.<sup>۱</sup>

#### د) انکار اسلام و روایت «مکتبی بشری در مقابل مسیحیت» از آن

این خرده‌جریان اسلام را به‌عنوان دینی الهی رد کرده و آن را یک مکتب مانند سایر بدعت‌ها معرفی می‌کند که ممکن است از درون دین مسیحیت روی دهد، یا مکتبی باشد که توسط بشر ارائه شده است. مکتوباتی از این دست اسلام در حد مکتب یا گرایشی فلسفی تنزل داده و اهمیت آن را به سبب قدرت سیاسی و نقدهایی که به مسیحیت وارد کرده عنوان می‌کنند.

چنین مکتوبات ضد اسلامی که با ادبیات جدلی تنظیم شده‌اند، اساس اسلام را به عنوان یک دین انکار نموده و آن را به‌عنوان یک مکتب غیرآسمانی معرفی می‌کنند. در یکی از ملحقات ماجرای سرجیوس بحیرا<sup>۲</sup> آمده که فرزندان اسماعیل بتی به نام کبار<sup>۳</sup> داشتند که در واقع ابلیس بود و با پرستش این بت، خود را شبیه پرستش ثنوی و مشرکانه شیطنانی فارس‌ها و هیتی‌ها و آرامی‌ها و مصریان باستان می‌کردند. از این منظر، اسلام به گونه‌ای ترسیم می‌شود که ادامه‌دهنده راه مشرکان عرب پیش از اسلام است؛ چراکه مشرکان عرب به ستاره علاقه داشتند و اسلام به همین علت، بحث از آسمان و ستاره‌ها را دارد. دیگر اینکه اذان نشان‌دهنده دوحدایی بودن اسلام است؛ زیرا یکی از آن دو، خدای اکبر است و در مقابل او، خدای اصغر قرار دارد. سوم اینکه مناسک قربانی در اسلام نیز بازمانده قربانی مشرکان است.<sup>۴</sup>

این دسته از مکتوبات برای نفی اسلام، از استدلال و جدل استفاده کرده و کمتر به

1. Thomas, David and Mallett, Alex, *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200)*, Brill, 2011, 487.

2. Tawditā d-ashlem l-Ishma'layē Ka'b sāprā – dukhrāneh l-lüttā, 'The Confession which Ka'b the scribe – cursed be his memory – handed down to the Ishmaelites'.

3. al-Kabar.

4. Thomas, David, Roggema, Barbara, *History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900)*, Brill, 2009, 403-404.

سمت توهین و هجو رفته‌اند. در بخشی از نوشتجات این رویکرد، اولین نشانه‌های ظهور مواجهه استدلالی جهت نقد اسلام مشاهده می‌شود که معمولاً با آگاهی نسبتاً تفصیلی از اسلام همراه است. بعضی از متکلمان و دفاعیه‌نویسان مسیحی ذیل این جریان، اسلام را در کنار سایر ادیان و یا بدعت‌های مسیحیت نشانده و با استدلال‌های مبتنی بر الهیات مسیحی، در کنار سایر قرائت‌های مخالف به‌بوته نقد می‌کشند. دیونسیوس<sup>۱</sup> با نام ایمانی «جان» در مجموعه متونی به نام «چالش علیه ملت عرب»<sup>۲</sup> (که شامل ردیه بر جماعات مسیحی غیر یعقوبی (نستوریان، کالسدونیان و ارمنیان) و همچنین بت‌پرستان و یهود است)، به ردیه‌نویسی علیه اسلام پرداخته است.<sup>۳</sup>

آثاری از این دست، برخلاف مکتوباتی که اسلام را بخش از مسیحیت یا ناجی مسیحیت از حاکمان ظالم می‌دانند، اسلام را دشمن مشترک در کنار دشمنان قبلی معرفی کرده‌اند؛ چنان‌که در «ستایش سه فرزند مقدس بابل»<sup>۴</sup> نویسنده اشاره می‌کند که اعراب ظالمانی هستند که در پی فحشا و قتل عام بوده و مردم را به اسارت می‌گیرند.<sup>۵</sup>

ادبیات این آثار در تقابل با اسلام و با رویکرد جدلی و استدلالی است. این ادبیات منحصر به یک دوره خاص نبوده است؛ چنان‌که در قرن دوازدهم که پیتر مقدس به جمع‌آوری مجموعه‌ای بزرگ علیه اسلام دست زد تا مسیحیت لاتینی غرب را به اسلام بدبین کند، همین ادبیات در اروپای غربی از سوی پدران صومعه‌نشین پیگیری شده است.

---

1. Dionysius bar Salibi.

2. Oru'utō luqbal 'amō d-Arābōyē, 'Dispute against the nation of the Arabs', 'A response addressed to the Arabs'.

3. Thomas, David and Mallett, Alex, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200), Brill, 2011, 667-669.

4. The Panegyric of the three holy children of Babylon.

5. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 128-129.

### هـ) انکار، هجو و معرفی اسلام با عنوان دینی غیرالهی

این خرده‌جریان ویژگی‌های جدیدی دراد که در دیگر مکتوبات در بدو امر دیده نمی‌شود؛ خصوصیاتى مانند توهین در کنار بروز ادبیات استدلالی و کاربست فلسفه ارسطویی که در مجموع یک نقد تمام‌عیار علیه اسلام در آن‌ها ارائه شده و اسلام را فاقد مشروعیت کافی برای پیروی معرفی کرده است. متکلمان فیلسوف نقش پررنگی در تدوین این دسته از متون داشته‌اند. ابورائطه تکریتی و کندی از مشاهیر این دسته هستند؛ چنان‌که در رساله‌ای که به کندی<sup>۱</sup> نسبت داده می‌شود<sup>۲</sup>، او با لحنی که گاهی تمسخرآلود و گاهی غضب‌آلود است، دفاعیه‌ای مسیحی در برابر اسلام نوشته است.

کندی علاوه بر اینکه به مدافعه‌های کلامی ادبیات اسلام و مسیحیت ارجاع داده است، با ادبیاتی که نشان‌دهنده رویکرد دفاعیه‌نویسی اسلامی مسیحی در قرن نهم است، (با ارجاع دادن به متون مقدس اسلامی و مسیحی) درصدد دفاع از مسیحیت و نقد اسلام است. کندی در بخشی (قسمت دوم) از نامه‌اش بر نفی اسلام تمرکز کرده و بیشتر جدالی بحث می‌کند؛ مانند بحث از این ادعا که حضرت محمد ﷺ از سوی راهبی نصرانی راهنمایی می‌شد. این سبک جدال در قرون نهم و دهم در میان مجادلات کلامی مسیحیان علیه اسلام رواج داشت.<sup>۳</sup>

این جریان که نخست با ادبیات استدلالی و فلسفی در قرن هشتم و نهم ظهور کرده است، در قرون بعدی با گستردگی ادبیات همراه شد؛ به‌گونه‌ای که در سایر نوشتجات

1. 'Abd al-Masīh ibn Ishāq al-Kindī (pseudonym).

2. Risālat 'Abdallāh ibn Ismā'īl al-Hāshimī ilā 'Abd al-Masīh ibn Ishāq al-Kindī yad 'ūhu bihā ilā l-Islām wa-risālat al-Kindī ilā l-Hāshimī yaruddu bihā 'alayhi wa-yad 'ūhu ilā l-Nasrāniyya, 'The Letter of 'Abdallāh ibn Ismā'īl al-Hāshimī to 'Abd al-Masīh ibn Ishāq al-Kindī in which he invites him to convert to Islam and the letter of al-Kindī to al-Hāshimī in which he refutes him and invites him to convert to Christianity', 'The Apology of al-Kindī', 'The Correspondence of al-Hāshimī and al-Kindī'.

3. Thomas, David, Roggema, Barbara, History of Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 1 (600-900), Brill, 2009, 587-590.

نیز راه یافت. بنابراین، به تدریج در موعظه‌های شبانی مبلغان مذهبی در کلیسا تا متون مبهم آخرالزمانی و سایر گونه‌های ادبی مانند شعر و داستان نیز رواج یافت.<sup>۱</sup>

### و) انکار و تبیین اسلام در قالب انحرافی مسیحی

رابطه مبتنی بر رد و نفی اسلام، در یکی از رایج‌ترین گونه‌ها اسلام را به عنوان انحراف از مسیحیت معرفی کرده است. خرده‌جریان مذکور، اسلام را از ریشه به مسیحیت نسبت می‌دهد تا جایی که از منظر این دسته از مکتوبات ردپای شیطان در این تغییر، تحریف و ظهور دین جدید مؤثر بوده است. متن ادبی فردی بنام ایمریکو با عنوان «هنر خواندن» از همین دسته است. ایمریکو<sup>۲</sup> متنی راجع به قواعد ادا کردن، تلفظ و صدای حروف به لاتین نوشته است.<sup>۳</sup> او در دفتر سوم، وقتی به کرونیکا<sup>۴</sup> می‌رسد، به تاریخ‌نگاری پرداخته و تاریخ تولد حضرت عیسی را ذکر می‌کند و سپس از کشیشی نام می‌برد که برای تبلیغ و هدایت مشرکان به سمت آنها فرستاده شد؛ اما هم خودش مورد خدعه قرار رفت و هم دیگران را فریب داد. کشیش که محمد خوانده می‌شد، نام حقیقی‌اش اوسین<sup>۵</sup> بود. پس از فریفته شدن توسط فرشته شیطانی، نامش را به محمد تغییر داد. به جهت زبان‌شناختی، اوسین مشعر به هاشم یا عظیم است. ریشه‌یابی این روایت<sup>۶</sup> به مکاشفه متودیوس جعلی<sup>۷</sup> بازمی‌گردد که در شبه‌جزیره ایبری به زبان لاتین در افواه عمومی رایج شده بود. این ریشه‌شناسی برای اسلام تا قرن یازدهم در تمام به باور رایج بدل شد. این ریشه‌شناسی از اسلام، به یوحنا دمشقی

---

1. Thomas, David and Mallett, Alex, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200), Brill, 2011, 223-224.

2. Aimericus of Angoulême.

3. Ars lectoria, 'The art of reading'.

4. Cronica.

5. Ocín.

۶. روایت معرفی شخصیت حضرت محمد ص به این کشیش مسیحی کوردوبایی.

7. Apocalypse of Pseudo-Methodius.

(قرن هشتم) می‌رسد که اسلام را در شمار بدعت‌های مسیحی پنداشته و آن را محکوم می‌کرد. ادبیات این متن و سایر متون این‌چنینی در میان اسپانیایی‌های این دوره شایع است. آن‌ها اسلام را انحراف از مسیحیت و بدعت معرفی می‌کنند که در نتیجه القانات شیطان است.<sup>۱</sup>

### پیتر مقدس و نفی اسلام

از جمله مهم‌ترین جریان‌هایی که در چهارده قرن گذشته به مقابله با اسلام روی آوردند، جریانی بود که به رهبری پیتر اهل کلونی روی داد. او با رهبری مقتدرانه و نظام‌مند خویش توانست موج مهمی علیه اسلام در اروپا ایجاد نموده و جریان مقابله با اسلام را به‌ویژه در اروپای مرکزی تقویت نماید.

### الف) پیتر اهل کلونی

پیتر مقدس اهل کلونی (۱۰۹۲-۱۱۵۶) از مهم‌ترین راهبان بندیکتی فرانسوی، الهی‌دان و ابوت سرشناس سلسله کلونیان بود. وی در قرن دوازده میلادی از سال ۱۱۲۲ تا پایان عمر خویش در دوره‌ای که صومعه کلونی از مهم‌ترین مراکز رهبانی اروپا به شمار می‌رفت، به‌عنوان ریاست صومعه کلونی مشغول به کار بود. او به‌موجب اصلاحات رهبانی، فعالیت‌های الهیاتی و تحقیقاتی و شبکه گسترده‌اش در سرتاسر اروپا شهره شد. پیتر از یک خانواده سرشناس بورگاندی در حوالی سال ۱۰۹۲ متولد شد و نخستین آموزش‌ها در حوزه هنرهای آزاد و الهیات را در محل تولد خویش سپری کرد. در جوانی وارد صومعه شد و به‌خاطر قدرت رهبری، عمق روشنفکری و پرهیزکاری، به‌سرعت رشد کرد. در صومعه مشهوری که در سال ۹۱۰ توسط ویلیام پرهیزکار تأسیس شده بود، به مقام ابوتی رسید. تحت رهبری او اصلاحات بنیادینی در ساختار و وظایف صومعه‌ها ایجاد شد و نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتین نیز به

---

1. Thomas, David and Mallett, Alex, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200), Brill, 2011, 204-206.

دستور او در صومعه انجام شد.<sup>۱</sup>

پیتر به منظور مقابله دقیق با اسلام و سربازان مسلمان، با ایجاد گروه تحقیقاتی از میان راهبان، به مبارزه با اسلام پرداخته و آثاری تولید نمود که تا به امروز در زمره مهم‌ترین منابع غربی در نقد و رد اسلام به کار می‌رود. بسیاری از روایات غلط و بینش‌های غیر صحیح از اسلام، محصول تولیدات او و شاگردانش در قرن دوازدهم است که به برخی از آن‌ها ذیل همین جریان اشاره می‌شود. از شاگردان مبرز او می‌توان به رابرت اهل کتون<sup>۲</sup> (نخستین مترجم قرآن به لاتین)، پیتر اهل تولدو و پیتر اهل پاتریر اشاره کرد.<sup>۳</sup> هرمان از کارینثیا از دیگر شاگردان او بود که به ترجمه متون فلسفی اسلامی و یونانی به لاتین اهتمام داشت.<sup>۴</sup>

#### ب) درباره تولد محمد

این اثر<sup>۵</sup> ترجمه کتاب الانوار فی مولد النبی نوشته ابو حسن البکری است. نخستین فقره این کتاب در این زمینه است که نور رازآلود و آسمانی چگونه از حضرت آدم به حضرت خاتم<sup>ﷺ</sup> رسیده است. وقتی این نور به حضرت خاتم<sup>ﷺ</sup> می‌رسد، روایت به خط اصلی بازگشته و جزئیات دقیقی از تولد ایشان ارائه می‌نماید. در این روایت، معجزات و خرق عادات طبیعت که هم‌زمان با ولادت ایشان رخ داده است، تبیین

1. A. Stacpoole, 'Hugh of Cluny and the Hildebrandine miracle tradition', *Revue Bénédictine* 77 (1967) 341-63.

2. Robert of Ketton.

3. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, *Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200)*, University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, p. 478.

4. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, *Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200)*, University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, p. 497.

5. *Liber de generatione Mahumet, Liber de generatione et nutritura eius, Liber generationis Mahumet nuncii Dei*, 'On the birth of Muḥammad'.

شده و ملاقات سه فرشته با ایشان و جلا دادن و شسشتوی قلب مطهر ایشان با برف روایت می‌شود. این روایت به گزارش دختر حلیمه دایه ایشان بیان می‌شود. این گزارش از ولادت حضرت محمد ﷺ با دوره نوجوانی ایشان و بازگشت از نزد حلیمه به مکه به پایان می‌رسد. گزارش‌های دست اول که با روایت اول شخص بیان شده است، به سبک احادیث آمده و به گفتگوی او با اشخاص دخیل در این ماجرا اشاره دارد. متن موجود در این گزارش در سایر منابع دیده نمی‌شود.

این اثر از مهم‌ترین ترجمه‌هایی است که تحت نظر پیتر مقدس تولید شده و ذیل سه‌گانه مورد نظر وی، یعنی ولادت حضرت خاتم، الهیات و دکترین ایشان و تاریخ‌نگاری ایشان روایت می‌شود. پیتر تمامی آثار تولیدشده در این دوره را برای مباحثات کلامی و جدلی علیه اسلام به کار برده است. در بسیاری از متون بازتولیدشده توسط نهضت پیتر مقدس، سعی در پنهان نمودن شخصیت الهیات حضرت رسول ﷺ شده است و برای نمونه اثری از نور الهی ایشان در متون دیگر دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### ج) درباره تعالیم محمدی

این متن به هرمان منسوب شده است. او در صدد این بوده است که رساله مکاشفه‌ای مربوط به مناقشه یهودی مسلمان مابین حضرت محمد و عبدالله ابن سلام را ترجمه نماید.<sup>۲</sup> به روایت هرمان چهار یهودی هریک برای پرسش یا پرسش‌هایی نزد حضرت محمد ﷺ می‌آیند و ایشان در پاسخ‌های خویش، ابعاد مختلف تعالیم اسلام را نیز تبیین می‌کنند. اثر با وحی فرشته مقرب جبرئیل آغاز شده و با پذیرش عبدالله ابن سلام و مسلمان شدنش تمام می‌شود. ژانر این اثر جدلی است که در میان مسلمانان

1. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200), University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, pp. 500-501.

2. Liber de doctrina Mahumet, Gesta quendam sive disputatio ridiculosa et questionum stultarum solutiones frivole cum quodam Abdia iudeo, Diálogo de Abdías, 'On the doctrine of Muhammad'.

شبه‌جزیره ایبری جریان داشته و حلقه‌های مسیحی و یهودی نیز بدان خو گرفته بودند. ترجمه این اثر در نتیجه تلاش‌های پیتر مقدس<sup>۱</sup> است که درصدد گردآوری مجموعه‌ای برای نقد ورد اسلام به‌ویژه برای صلیبیان بود. در ترجمه لاتین، تفوق اسلام بر یهودیت به حاشیه رفته و برتری مسیحیت بر هر دو دین تبیین شده و در مواردی نیز، اسلام به سخره گرفته شده است.<sup>۲</sup>

### د) قوانین پیامبر جعلی محمد که به عربی قرآن خوانده می‌شود

رابرت<sup>۳</sup> از اهالی کتن<sup>۴</sup> متن قرآن را با دخل و تصرف و به شکل تفسیری، به زبان لاتین ترجمه کرده است.<sup>۵</sup> به همین جهت ترجمه و تفسیر رابرت از متن اصلی قرآن فاصله گرفت و تعداد زیادی از پژوهشگران معتقدند نمی‌توان به آن اعتماد کرد؛ زیرا ترجمه لفظی نیست. این اثر نیز در شمار کارهایی است که پیتر مقدس با گردآوری تیمی، به ترجمه و تفسیر انتقادی قرآن مبادرت کرده است.

ترجمه رابرت، اولین ترجمه کامل قرآن به زبان اروپای غربی است. این اثر در کارهای دفاعی و جدلی علیه اسلام به زبان لاتین نقش مستقیم داشت و از آن نقل می‌شد و همان حاشیه‌های تفسیری که توسط رابرت نوشته شد نیز در بسیاری از متون ضداسلامی بعدی استفاده شد.<sup>۶</sup>

1. abbot Peter of Cluny.

2. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200), University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, pp. 50<sup>۳</sup>-50<sup>۵</sup>.

3. Robert of Chester, Robertus Ketensis or Ketenensis or Ketenensis or Kettonensis, Robertus Retinensis or Retenensis, Robertus Anglicus or Anglus, Robertus Castrensis or Cestrensis, Robertus Anatensis or Astrensis or Astenensis or Ostiensis.

4. Ketton.

5. Lex Mahumet pseudo-prophete que arabice Alchoran, id est collectio preceptorum, vocatur, 'The law of the pseudo-prophet Muhammad, called in Arabic the Qur'an, which is a collection of rules'.

6. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200), University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, pp. 510-511.

### هـ) تاریخ مسخره و کذب ساراسن‌ها

محتوای این اثر، جدلی و انکاری<sup>۱</sup> بوده و در ابتدای آن، متنی از سمت رابرت خطاب به پیتر مقدس نوشته شده است. این کتاب ده فصل دارد که راجع به خلقت جهان، زندگی سایر انبیا، تبارشناسی حضرت محمد ﷺ و زندگی و اقدامات او سخن می‌گوید. سپس روایاتی از وقایع دوران خلفا تا دومین خلیفه اموی، یزید ذکر می‌کند. نسخه عربی موجود نیست و برخی بر این گمان‌اند که اصل عربی در دوره خلیفه دوم اموی نوشته شده است. این سه کتاب در مجموع به سفارش پیتر مقدس نوشته شده است که اولی راجع به قرآن، دومی راجع به حضرت محمد ﷺ و سومی راجع به اسلام و تعالیم است.<sup>۲</sup>

---

1. *Chronica mendosa et ridicula Sarracenorum*, 'Mendacious and ridiculous chronicle of the Saracens'.

2. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan, *Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History Volume 3 (1050-1200)*, University of Birmingham, Volume 15, Brill, 2011, pp. 5۱۵-5۱۷.

## نتیجه‌گیری

«روابط مسیحی-مسلمان: تاریخچه کتابشناختی (CMR)» یک مجموعه مرجع دانشگاهی بزرگ است که توسط محققانی مانند دیوید توماس (دانشگاه بیرمنگام) و دیگران ویرایش شده است. این مجموعه توسط انتشارات بریل منتشر شده است. این پروژه متونی را که توسط مسیحیان درباره اسلام و مسلمانان درباره مسیحیت از قرن هفتم تا حدود سال ۱۹۱۴ نوشته شده است، مستند می‌کند. بررسی عمیق پروژه CMR جریان نفی را به‌عنوان کلان‌ترین جریان حاکم بر این روابط در نظر گرفته است. عمده‌خرده جریان‌های مبتنی بر نفی و انکار اسلام بویژه در نوشتجات متأثر از پیتر مقدس از این قرار است:

روایت نخست اهریمن‌سازی کامل از اسلام به عنوان فریب شیطانی که با سطح نفی حداکثری/مطلق بوده و در ایده اصلی آن اسلام نه تنها باطل؛ بلکه شیطانی بوده و توسط شیطان یا شیاطین برای گمراه کردن مردم ساخته شده است. در این دسته از روایات حضرت محمد ص، قرآن، اسلام کاملاً شیطانی و خطرناک، بدون هیچ حقیقت واقعی به تصویر کشیده شده است. کارکرد این روایات نیز توجیه رد کامل اسلام و گاهی اوقات خصومت سیاسی/نظامی بوده است.

روایت دیگر اسلام را به عنوان بدعت یا انحراف مسیحی معرفی کرده و سطح نفی در آن بسیار قوی است، اما با استفاده از دسته‌بندی‌های درون مسیحی. در مرکز ایده اصلی این دسته از مکتوبات، اسلام یک بدعت مسیحی یا تحریف آموزه‌های مسیحی است که طی آن حضرت محمد ص به عنوان کسی که از یهودیان و مسیحیان وام گرفته و آموزه‌های آنها را تحریف کرده، به تصویر کشیده شده است. بنابر این در این روایات یکتاپرستی اسلامی به عنوان نسخه‌ای تحریف‌شده از ایمان مسیحی تلقی شده و اسلام در کنار سایر «بدعت‌ها» (آریانیسم، نسطوریسم و غیره) قرار می‌گیرد. کارکرد این روایات انکار اقتدار نبوی مستقل اسلام است و آن را به عنوان نسخه‌ای

نادرست از مسیحیت، نه یک دین معتبر جداگانه، بازتعریف می‌کند. در یک خرده جریان دیگر اسلام به عنوان یک ساختار صرفاً انسانی یا سیاسی معرفی شده که سطح نفی آن بالا، اما با زبانی تاریخی/انتقادی و نه شیطانی است. مرکز ثقل این مکتوبات این است که اسلام به هیچ وجه از جانب خدا نیست؛ بلکه یک اختراع انسانی است که اغلب با انگیزه‌های سیاسی یا اجتماعی هدایت می‌شود. در این متون حضرت محمد ص به عنوان یک سیاستمدار، قانونگذار یا اصلاح‌گر باهوش معرفی می‌شود که از خدا الهام نگرفته و بر توضیحات جامعه‌شناختی (اتحاد قبیله‌ای، ایجاد امپراتوری، اصلاحات اخلاقی) به جای وحی الهی تأکید می‌کند. در این نوشتجات گاهی اوقات احترام توأم با اکراه به مهارت‌های حضرت محمد ص، توأم با عدم به رسمیت شناختن مقام نبوت مشاهده می‌شود. هدف از این دسته متون انکار حقیقت متعالی اسلام با تصدیق نسبی اثربخشی تاریخی آن است.

یکی از رویکردهای نفی و انکار اسلامی نیز اسلام را به عنوان حقیقت جزئی/دین طبیعی، اما در نهایت نادرست تبیین کرده و سطح نفی آن متوسط تا قوی همراه با انکار نهایی آموزه‌هاست. ایده اصلی این متون ارائه این تصویر است که اسلام برخی از حقایق (به ویژه اخلاقی یا درباره یک خدا) را حفظ می‌کند، اما ناقص و در نهایت اشتباه است. محتوای غالب آنها اینگونه است که مسلمانان یک خدا را می‌پرستند، بت‌پرستی را محکوم می‌کنند و قوانین اخلاقی جدی دارند.

در یک جریان دیگر اسلام به عنوان امری که به مشیت الهی مجاز است اما باید جایگزین شود معرفی شده و از نظر الهیاتی نسبت به اسلام منفی است اما اغلب لحنی کمتر خصمانه دارد. در این مکتوبات اسلام به عنوان چیزی دیده می‌شود که خداوند به دلایلی (مثلاً مجازات، تأدیب، آمادگی) در تاریخ مجاز دانسته است، اما نه به عنوان یک وحی نهایی یا واقعی و در آنها وقایع تاریخی (فتوحات اسلامی) به عنوان داوری الهی بر مسیحیان به خاطر گناهانشان تفسیر می‌شوند. اسلام گاهی اوقات به عنوان گامی که ملت‌ها را آماده یا آزمایش می‌کند، دیده می‌شود، اما در نهایت قرار

است جای خود را به مسیحیت بدهد. این متون نیز اعتبار نهایی اسلام را انکار می‌کند، اما آن را در یک دیدگاه الهیاتی از تاریخ قرار می‌دهد، نه هرج و مرج یا شر محض. در این خرده جریان مبتنی بر نفی و انکار فضایی برای گفتگو و احترام اخلاقی ایجاد می‌شود، اما حقیقت نجات‌بخش اسلام را انکار می‌کند.